

معماری مساجد دوره خوارزمشاهی

در

خراسان

پریوش اکبری

کتابخانه‌ها و آثار و ابنیه بسیاری را به ویژه در ماوراءالنهر و خراسان از بین برد. ^(۶) شهر گرگانج یا جرجانیه مرکز دولت خوارزمشاهی که یاقوت حموی در وصف آن می‌نویسد: «زیباتر از آن شهری ندیدم!» بر اثر شکستن سد جیحون توسط مغولان یکسره به زیر آب فرو رفت. ^(۷) نیشابور با خاک یکسان شد و همه سکنه آن را کشتند، مشهور است که شهر را به آب بستند و آن را به زمینی مسطح مبدل کردند. ^(۸)

این بلای تاریخی سبب از میان رفتن عده‌ای از هنرمندان و یا کوچ اجباری آنان برای ساختن تمدنی که چنگیز می‌خواست در مغولستان برپا کند، شد. ^(۹) جمعی نیز از بیم جانشان به نقاط امن‌تر همچون فارس و کرمان و یزد گریختند. هنرمندان معماری که به نقاط امن گریخته بودند از شیوه متداول در این مناطق بهره جستند و بر کارآرایی خود افزودند. هنگامی که ایلخانان خواستند در مناطق تحت نفوذ خود دست به عمران و آبادانی بزنند این معماران آواره را به دربار خویش خواندند. ^(۱۰) شاید به علت کم شدن تعداد هنرمندان قابل در خراسان باشد که بناهای دوره ایلخانی این سامان غالباً از شکوه پیشین کم بهره‌اند. ^(۱۱) برای اینکه از وضعیت معماری خراسان پیش از هجوم وحشیانه مغولان آگاهی یابیم لازم است به بررسی بناهای به جای مانده از دوره خوارزمشاهی که پس از مرگ سلطان سنجر در سال ۵۵۲ هـ.ق و افول دولت سلاجقه، قدرت را در دست گرفتند و بر ایران حکومت کردند ^(۱۲)، بپردازیم. دوره‌ای که محققان تاریخ هنر

نیمه دوم قرن ششم و اوایل قرن هفتم هـ.ق از دوره‌های ناشناخته تاریخ معماری اسلامی ایران است. این در حالی است که حوادث تاریخی مهمی در این فاصله رخ داده است. در این زمان حکومت سلاجقه سقوط کرد و ماوراءالنهر به دست قراختائیان افتاد و دو دولت غوری (۵۲۴-۶۱۶ هـ.ق) که وسعت قلمرو آن تقریباً از دریای خزر تا شمال هند بود) و دولت خوارزمشاهی (۴۷۰-۶۲۸ هـ.ق در خوارزم و خراسان) نیرو گرفتند. سرانجام خوارزمشاهیان در سال ۶۰۲ هـ.ق و قراختائیان و در سال ۶۱۲ هـ.ق غوریان را مغلوب کردند و در سراسر بخش شرقی جهان اسلام امپراتوری پهناوری را که از سواحل هند تا کناره‌های آسیای صغیر گسترده بود، تشکیل دادند. ^(۱) اما دیری نپائید که در نخستین برخورد با مغولها دولت خوارزم و کشته شدن جلال‌الدین آخرین سلطان این سلسله در سال ۶۲۸ هـ.ق طومار حکومت خوارزمشاهی در هم پیچیده شد. ^(۲)

خوارزمشاهیان که مدعی داشتن عنوان سلطان عالم اسلام بودند و تا آنجا پیش رفتند که به کمک با خلیفه عباسی برخاستند ^(۳) و سعی وافری در توسعه فرهنگ و هنری قلمرو خویش داشتند و علمای بصیری مانند رشیدالدین وطواط صاحب حدائق‌السحر، زین‌الدین سید اسماعیل خراسانی صاحب کتاب ذخیره خوارزمشاهی در طب ^(۴)، علامه شمس‌الدین محمدبن عمر رازی ^(۵) در دربار آنان به سر می‌بردند.

هجوم توأم با کشتار عظیم و ویرانی وسیع مغولها،

جامع فرومد^(۱۴). ابتدا دو مسجد تاریخدار گناباد و زوزن را با توجه به زمان ساخت آنها مورد بررسی قرار خواهیم داد و سپس به بررسی سایر مساجد این دوره خواهیم پرداخت.

۱- مسجد جامع گناباد^(۱۵)

این مسجد دو ایوانی یکی از دو مسجد تاریخدار دوره خوارزمشاهی است. به استناد کتیبه کوفی آجری که نمای ایوان جنوبی را آذین بخشیده است، تاریخ ساخت بنا سال ۶۰۹ هـ ق است. در داخل این ایوان نیز دو کتیبه کوفی آجری دیده می‌شود که مضمون یکی از آنها لا اله الا الله - محمداً رسول الله و دیگری نام سازنده بنا است که به این صورت خوانده شده است. «عملی نیکپی شهابی البنا غفرالله له»^(۱۶).

در طرفین ایوان جنوبی دو ستون نمای آجر کاری شده دیده می‌شود که ارتفاع تقریبی ایوان را بیشتر القا می‌کند. نکته دیگری که ذکر آن ضروری به نظر می‌رسد وجود یک محراب زیباست در داخل اسپر^(۱۷) ایوان است که نقوش هندسی و گیاهی و

معماری کمتر بدان التفات کرده‌اند و بعضاً اینیه به جا مانده از این دوره را در شمار آثار دوره سلجوقی و یا دوره ایلخانی آورده‌اند^(۱۳) و این در حالی است که برخی از بناهای مورد نظر همچون مسجد ملک زوزن و مسجد جامع گناباد تاریخدار هستند. به نظر می‌رسد که این دوره نسبتاً کوتاه تحت الشعاع طول مدت حکومت دوره سلجوقی و ایلخانی و نیز کثرت آثار به جا مانده از دوره‌های مذکور قرار گرفته است. به همین جهت چندان به آن نپرداخته‌اند.

سعی ما بر این است که با بررسی مساجدی که به استناد کتیبه‌هایشان در دوره خوارزمشاهی در خراسان ساخته شده‌اند یا به واسطه شباهتشان با مساجد تاریخدار به ظن نگارنده متعلق به این دوره هستند و خوشبختانه از ویرانگری موحش مغولان در امان مانده‌اند، پیردازیم و تلاش نماییم که معماری این دوره نسبتاً ناشناخته بیشتر شناسایی شود. مساجد مورد نظر عبارتند از مسجد جامع گناباد، مسجد ملک زوزن، مسجد جامع سنگان پائین خواف، مسجد جامع فردوس، مسجد جامع رقه و مسجد



مسجد زوزن

همچنین نام مقدس علی علیه السلام به خط باین و به صورت قالبهای کچی است.

ترئینات نمای ایوان جنوبی آجرکاری به شکل نقوش هندسی است و در اصل یک کتیبه کوفی آجری است. اما در تزئین نمای ایوان شمالی علاوه بر آجر، قطعات کاشی فیروزه‌ای یکرنگ به صورت تلفیق با آجر یا به شکل گل میخ در وسط آجرهایی که طرح هشت ضلعی دارند، به کار رفته است. نکته مهم دیگر این است که پوشش سقف هر دو ایوان به صورت صاف و تویزه ^(۱۸) است. بر روی شانه ایوان شمالی بقایای دو سناره نیز به چشم می‌خورد.

دیوار ضلع شرقی صحن مسجد نیز با آجرهای مشبک به شکل یک هشت ضلعی منتظم در وسط و چهار هشت ضلعی غیر منتظم در چهار گوشه آن و یک گل میخ کاشی فیروزه‌ای گوی مانند در وسط هشت ضلعی منتظم، تزئین شده است.

مسجد جامع گناباد دارای دو ورودی در ضلع شمال شرقی و جنوب شرقی است. ورودی جنوب شرقی ساده است اما ورودی

ضلع شمال شرقی دارای ترئینات گچبری به شکل نقوش گیاهی و پرندگان است. این ترئینات احتمالاً مربوط به دوره قاجار است.

۲- مسجد ملک زوزن ^(۱۹)

مسجد ملک زوزن در دهستان زوزن او توابع شهرستان خواف و در ۶۶ کیلومتری جنوب غرب آن قرار دارد. ^(۲۰) این مسجد دومین مسجد تاریخدان دوره خوارزمشاهی است و به استناد کتیبه‌هایی که زیئت بخش نما و اسپر ایوان قبله آن است در سالهای ۶۱۵ و ۶۱۶ هـ ق در حال ساختمان بوده است. مسجد ملک زوزن در حال حاضر متشکل از دو ایوان مقابل هم است که هسته مجموعه بنای عظیمی را تشکیل می‌دهد است. این مجموعه بنا بر شواهد موجود از جمله فاقد ترئین بودن محراب که مهمترین قسمت هر مسجد است، به علت هجوم مغول هرگز به اتمام نرسید. ^(۲۱)

ایوان قبله به ارتفاع حدود سی متر و در جهت غرب قرار دارد و در مقابل آن ایوان کوچکتری در جهت شرق قرار گرفته است.



مسجد زوزن

دلیل جنوبی نبودن سمت القبلة این مسجد، با توجه به متن کتیبه اسپر ایوان غربی و مقایسه آن با کتیبه‌های مسجد - مدرسه‌های حنفی سوریه این است که مسجد، یا احتمالاً مسجد - مدرسه، حنفی است و قبله براساس داده‌های حنفیت تعیین شده است.^(۲۲)

در طرفین ایوان غربی دو ستون نمای آجرکاری شده که بخش اعظم آجرکاری آن فرو ریخته است، دیده می‌شود. نمای این ایوان را آجرکاری با تلفیق کاشی و یک کتیبه آجری به خط کوفی که تاریخ ۶۱۵ هـ ق در انتهای آن آمده است، زینت بخشیده است.^(۲۳) همچنین اسپر این ایوان دارای تزئینات زیبای تلفیق کاشی و آجر و نیز یک کتیبه کاشی فیروزه‌ای یکرنگ به خطوط کوفی است که در انتهای آن تاریخ ۶۱۶ هـ ق به خط نسخ آورده شده است.^(۲۴) شایان ذکر است که در اینجا برای اولین بار کاشی تراش خورده در یک مجموعه تزئینی یکدست مرکب از آجر لعابدار و کاشی تلفیق و به کار برده شده است.^(۲۵) پوشش سقف ایوان فرو ریخته است اما با توجه به بقایای موجود می‌توان گفت که پوشش آن به صورت طاق و تویزه بوده است.

نمای ایوان شرقی نیز دارای کتیبه آجری و تزئینات آجرکاری با تلفیق کاشی فیروزه‌ای رنگ با نقوش هندسی و گره بوده است که بخش اعظم آن فرو ریخته است. همچنین سقف این ایوان دارای تزئینات زیبای مقرنسکاری به صورت تلفیق قطعات کاشی فیروزه‌ای رنگ و آجر بوده است که بخشی از آن باقی مانده است.

۳ - مسجد جامع سنگان پائین خواف^(۲۶)

این مسجد در بخش سنگان و در ۱۹ کیلومتری جنوب شرقی خواف قرار دارد. مسجد جامع سنگان در اصل یک مسجد دو ایوانی بوده است. ایوان قبله در جهت غرب قرار دارد. بنابراین می‌توان گفت که قبله براساس داده‌های حنفیت تعیین شده است. در مقابل ایوان قبله، ایوان دیگری در جهت شرق قرار داشته که بر اثر زلزله فرو ریخته و شبستانی جایگزین آن شده است. اما بقایای طاق ایوان بر روی دیوار شبستان مذکور دیده می‌شود.

نکته قابل توجه در مورد این مسجد این است که زلزله پایه‌های ایوان قبله را خم کرده است، به طوری که فاصله پایه‌های ایوان در مینا از فاصله آنها در پاکار طاق کمتر است. در این مسجد که هنوز هم مورد استفاده حنفیان این محل قرار می‌گیرد، هیچ کتیبه و تاریخی مشاهده نمی‌شود. اما با توجه به نقشه دو ایوانی آن و پوشش سقف ایوان قبله که به صورت طاق و تویزه است و نیز شباهت کامل تزئینات آجری پیشانی ایوان با گل میخهای کاشی فیروزه‌ای در مرکز آن، با تزئینات دیوار شرقی صحن مسجد جامع گناباد، به احتمال زیاد تقریباً همزمان با این مسجد ساخته شده است.

۴ - مسجد جامع فردوس^(۲۷)

این مسجد را برخی محققان مسجدی یک ایوانی از قرن هفتم هـ ق می‌شناسند^(۲۸) و در پرونده مرمت بنا در سازمان میراث فرهنگی کشور در گزارش کوتاهی که درباره بنا نوشته شده است، قدمت آن سال ۴۰۰ هـ ق ذکر شده است.^(۲۹) اما با توجه به شیوه پوشش سقف ایوان جنوبی (قبله) که به صورت طاق و تویزه است و شباهت تزئینات آجرنمای ایوان جنوبی با مساجد زوزن و گناباد و نیز استفاده از کاشی و تلفیق آن با آجر و همچنین شباهت کامل نقشه این بنا با سایر مساجد دو ایوانی خراسان (به استثنای شبستان شمالی که نسبت به سایر قسمتها جدیدالاحداثتر و احتمالاً مربوط به اوایل دوره قاجار است)^(۳۰) و به نظر می‌رسد پس از ویرانی ایوان شمالی بر اثر زلزله جایگزین آن شده است) می‌توان گفت که مسجد جامع فردوس یک مسجد دو ایوانی سبک خراسانی بوده است^(۳۱)، و تقریباً همزمان با مساجد زوزن و گناباد ساخته شده است.

۵ - مسجد جامع رَقه

مسجد جامع رَقه در روستای رَقه از توابع بخش بشرویه شهرستان فردوس و در ۱۸ کیلومتری این بخش واقع است^(۳۳). این مسجد خشت و گلی دارای سه ایوان در جهات غرب، شرق و

جنوب است. شیوه ساختمان ایوان جنوبی با ایوانهای شرقی و غربی کاملاً متفاوت بوده و نسبت به آنها جدیدالاحداث‌تر و احتمالاً در دوره صفوی ساخته شده است.^(۳۶) بنابراین مسجد در اصل فقط دو ایوان در جهات غرب و شرق داشته است. وجود یک محراب ساده گچی در اسپر ایوان غربی نشان می‌دهد در هنگام برپایی این مسجد قبله براساس داده‌های حقیقت تعیین شده است. در این مسجد هیچ کتیبه‌ای دیده نمی‌شود، اما با توجه به نقشه آن که در اصل دو ایوانی بوده است و شیوه پوشش سقف ایوان غربی و شرقی که به صورت طاق و تودنه است، به نظر می‌رسد که تقریباً همزمان با سایر مساجد دو ایوانی دوره خوارزمشاهی ساخته شده است.

۶- مسجد جامع فرومد^(۳۵)

مسجد جامع فرومد در روستای فرومد در ۱۶۵ کیلومتری شرق شهرستان شاهرود واقع است.^(۳۷) این مسجد دارای دو ایوان در جهات جنوب و شمال و دورشهر واقع در ضلع شرقی و غربی بنا است و به لحاظ تزئینات آجره‌ای، تلیفیک کاشی و آجر، گچبری و کتیبه‌هایی که مضمون آنها آیات قرآن و یا شعائر اسلامی است به نظر نگارنده یکی از زیباترین مساجد ایران است. اما در هیچ‌یک از کتیبه‌های این مسجد تاریخ و یا نام شخصیت شناخته شده‌ای که به واسطه آن بتواند قدمت مسجد را تعیین کرد، دیده نمی‌شود. ولی با توجه به ویژگی‌هایی همچون دو ایوانی بودن نقشه بنا، شیوه پوشش سقف ایوانها که به صورت طاق و تویزه است، استفاده از آجرتراش به میزان وسیع و تلیفیک آن با کاشیهای فیروزه‌ای و لاجوردی و استفاده از ستون‌نما در کنار ایوانها جهت مرتفع‌تر جلوه دادن آنها که قابل مقایسه با دو مسجد مورخ دوره خوارزمشاهی خراسان یعنی مسجد جامع گناباد و مسجد ملک زوزن به نظر می‌رسد که تقریباً همزمان با سایر مساجد شناسایی شده از دوره خوارزمشاهی ساخته شده است. پس از توصیف مختصر مسجد دوره خوارزمشاهی جهت شناخت بهتر ویژگی‌های معماری این دوره مقایسه معماری

مساجد مورد نظر با دوره قبل از خود (سلجوقی) و دوره بعد از آن (ایلخانی) ضروری به نظر می‌رسد.

الف - مقایسه ویژگی‌های معماری مساجد دوره خوارزمشاهی و سلجوقی

معماری خوارزمشاهی در ادامه و استمرار معماری دوره سلجوقی است و در مجموع ارتباط خود را از نظر شکل، مصالح و تزیینات با بناهای دوره سلجوقی حفظ کرده است. مصالح مساجد دوره خوارزمشاهی خراسان همان مصالحی است که در همه ادوار اسلامی به کار رفته است. یعنی آجر، خشت، گل، آهک، گچ و قلوه‌سنگ به‌علاوه کاشی که قدیمی‌ترین نمونه آن را که در جای خود باقی است از دوره سلجوقی می‌شناسیم.^(۳۷) بناهای دوره سلجوقی بسیار موقر و استوار است و بنا را از بنیان با مصالح مرغوب برپا می‌کرده‌اند.^(۳۸) در حالیکه مساجد دوره خوارزمشاهی خراسان از استحکام کمتری برخوردارند^(۳۹) و عموماً دیوارهایی را که از انظار پنهان بوده است و همچنین بخش میانی دیوارها را با خشت می‌ساخته‌اند. در این مورد مسجد ملک زوزن یک استثنا است.

نقشه مساجد مهم دوره سلجوقی چهار ایوانی است^(۴۰) اما نقشه مساجد دوره خوارزمشاهی خراسان دو ایوانی است و این در حالی است که نقشهای چهار ایوانی در معماری خراسان ناشناخته نبوده است و مدرسه نظامیه در خرگرد خراسان که به استناد کتیبه‌اش بانی آن نظام‌الملک است که در دوره سلجوقی بنا شده بود و چهار ایوانی است.^(۴۱)

بر خلاف مساجد مهم دوره سلجوقی که در آن مقصوره^(۴۲) متمایز است و معمولاً گنبدی بر فراز آن دیده می‌شود،^(۴۳) در مساجد دوره خوارزمشاهی خراسان مقصوره از سایر قسمتهای مسجد متمایز نیست. ایوانهای رفیع از عناصر شاخص مساجد دوره خوارزمشاهی خراسان است. به عنوان مثال ارتفاع ایوان در مسجد ملک زوزن که تا اندک زمانی پیش از هجوم مغول در حال ساختمان بوده است، حدوداً به ۲۰ متر می‌رسیده

است. (۴۴) اندام ایوانهای مساجد دوره خوارزمشاهی خراسان کشیده‌تر و باریک‌تر و در مجموع از ایوانهای دوره سلجوقی مرتفع‌ترند و برای القاء ارتفاع بیشتر دو ستون‌نما در طرفین ایوان قرار می‌داده‌اند. برای نمونه می‌توان ایوان سلجوقی مسجد جامع اصفهان را با ایوانهای هر یک از مساجد دوره خوارزمشاهی که پیش از این به توصیف مختصر آنها پرداختیم، مقایسه کرد. پوشش سقف ایوان مساجد دوره خوارزمشاهی به گونه‌ای متفاوت از پوشش سقف ایوانهای دوره سلجوقی و با طاق و تویزه برپا شده‌اند.

هنرمندان دوره خوارزمشاهی همانند هنرمندان دوره سلجوقی از آجر به عنوان یک عنصر مهم تزئینی در مساجد استفاده کرده‌اند. (۴۵) تلفیق کاشی و آجر که از اواسط دوره سلجوقی برای رنگ بخشیدن به نمای خارجی بناها آغاز شده بود (۴۶)، در دوره خوارزمشاهی به مقیاسی وسیع‌تر به کار رفت، با این تفاوت که در دوره سلجوقی فقط از یک رنگ کاشی در تلفیق با آجر استفاده شده است. در حالیکه در اواخر دوره خوارزمشاهی ما با کاربرد سه رنگ کاشی به رنگهای فیروزه‌ای، لاجوردی و سفید در مسجد ملک زوزن مواجهیم که این خود گامی مهم در ابداع هنر کاشیکاری معرق است که در دوره تیموری به اوج خود رسید. (۴۷)

ب - مقایسه ویژگیهای معماری مساجد دوره

خوارزمشاهی و ایلخانی

تقریباً در پایان قرن هفتم هجری بود که فاتحان مغول که فرهنگ بالیده و بالغی از خاستگاه خویش نیاورده بودند (۴۸) خود تحت تأثیر آئین اسلام و آداب ایرانی قرار گرفتند و شروع به بازسازی کشور و جبران ویرانی‌ها کردند. در زمان هلاکو خان مغول ساختمان و بازسازی در سراسر ایران آغاز شد. به تدریج که اوضاع کشور ثبات بیشتری می‌یافت و خاطر هنرمندان آسوده‌تر می‌گشت اوضاع هنری رو به بهبود نهاد و آذین بناها از درون به بیرون بیشتر شد. (۴۹)

معماری دوره ایلخانی در ادامه و استمرار معماری دوره قبل از خود یعنی دوره خوارزمشاهی است. همان‌گونه که معماری دوره خوارزمشاهی در تداوم معماری دوره سلجوقی بوده است. مصالح به کار رفته در بناهای دوره ایلخانی نیز همان مصالحی است که در ساختمان مساجد دوره خوارزمشاهی خراسان به کار رفته است. با این تفاوت که در نمای هیچ‌یک از مساجد دوره خوارزمشاهی سنگ مشاهده نمی‌شود و فقط از سنگ برای شالوده‌ریزی بنا استفاده کرده‌اند. در حالیکه در تعدادی از ابنیه دوره ایلخانی همچون سر در کاروانسرای سرچم و قاپ در مسجد جامع مرند سنگ به کار رفته است. استفاده از سنگ در قسمتهایی از بنا که در منظر دید است یک ویژگی معماری بومی آذربایجان است که در دوره ایلخانی از آن استفاده شده است. (۵۰)

نقشه مساجد مهم دوره ایلخانی همچون اکثر مساجد مهم دوره سلجوقی چهار ایوانی است که برای نمونه می‌توان از مسجد جامع ورامین نام برد. (۵۱) اما همان‌گونه که گفتیم نقشه مساجد دوره خوارزمشاهی دو ایوانی است و ایوانهای رفیع شاخص مساجد این دوره است. ساخت ایوانهای مرتفع در دوره ایلخانی نیز استمرار می‌یابد اما این دوره از جهت تکامل گنبد و جداره آجری و کاربرد آن در بناهای مذهبی ممتاز است که به عنوان مثال می‌توان از گنبد سلطانیه که از بزرگترین گنبد‌های ایران است، نام برد. (۵۲) در دوره ایلخانی سردر ورودی مساجد را بلندتر از دوره خوارزمشاهی می‌ساختند و یک جفت مناره در طرفین ایوان ورودی قرار می‌دادند. (۵۳) در حالیکه تنها نمونه مناره مسجد که تاکنون از دوره خوارزمشاهی به دست آمده است، بقایای مناره‌های مسجد گناباد است که در طرفین ایوان شمالی و بر روی شانه آن قرار دارد.

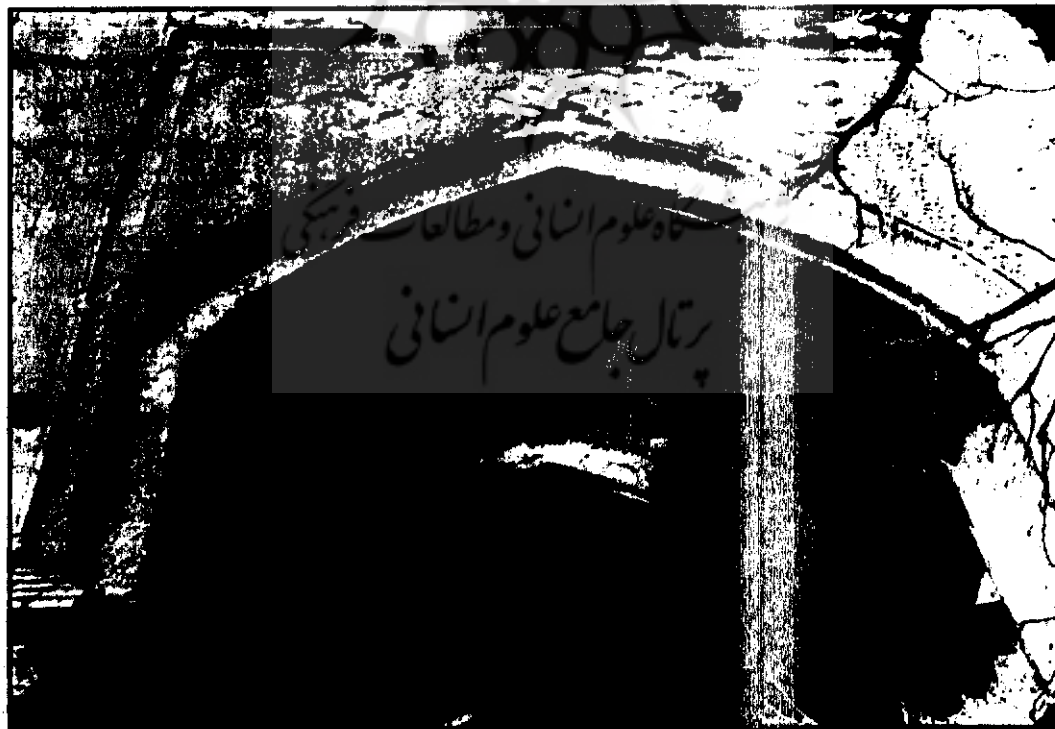
همان‌گونه که گفتیم ایوانهای دوره ایلخانی نیز همچون ایوانهای مساجد دوره خوارزمشاهی خراسان در مجموع بلندتر از ایوانهای سلجوقی است. به عبارتی دیگر نسبت ارتفاع ایوان به دهانه آن بیشتر است و برای القاء ارتفاع بیشتر دو ستون‌نما در

طرفین ایوانها می‌ساخته‌اند که به عنوان نمونه می‌توان از ایوان ورودی مقبره شیخ عبدالصمد نطنز نام برد.^(۵۴) پوشش سقف ایوانهای دوره خوارزمشاهی خراسان به حدی که گفتیم با طاق و تویزه برپا شده‌اند و با پوشش سقف ایوانهای دوره ایلخانی متفاوت است.

مقرنسکاری که یک شیوه تزئین رایج در ایران از قرون نخستین اسلامی بوده است در دوره ساسانی و خوارزمشاهی تداوم و تکامل یافت و در دوره ایلخانی بسط رایج بود و در این دوره اشکال آن کامل‌تر و مفصل‌تر شد.^(۵۵) در مقایسه با معماری مساجد خوارزمشاهی خراسان تزئینات مقرنسکاری بسیار کم شد.^(۵۶) آجرهای پیش‌بر و تراش با طرح بسمه‌ای که در نمای دیوار شرقی صحن مسجد جامع گناباد و همچنین پیشانی ایوان قبله مسجد جامع سنگان پائین‌خواف دیده می‌شود، در نمای ایوان ورودی صومعه بایزید بسطامی در بسطام نیز به کار رفته است، اما نسبت به آنها از پختگی و جلوه‌گری برخوردار است. تلفیق کاشی با آجر در دوره ایلخانی به مسائلی وسیع‌تر و با تنوع

بیشتر به اشکال هندسی یا به صورت عبارات و اسامی مقدس به کار رفته است.^(۵۷) در این دوره محرابها نیز کاشیکاری شدتند.^(۵۸) که در مساجد دوره خوارزمشاهی خراسان نمونه‌ای از آن به دست نیامده است. به‌طور کلی می‌توان گفت که در دوره ایلخانی نسبت به دوره خوارزمشاهی کاشی به میزان وسیع‌تر و با رنگهای متنوع‌تر به کار رفته است و علاوه بر رنگهای فیروزه‌ای، لاجوردی و سفید که در دوره خوارزمشاهی به کار رفته است، از رنگهای سبز، سیاه و قهوه‌ای نیز استفاده کرده‌اند.^(۵۹)

با توجه به آنچه که گذشت در پایان می‌توان گفت هر چند که معمولاً آبنیه دوره خوارزمشاهی را در زمره آثار دوره سلجوقی و یا ایلخانی آورده‌اند، اما واقعیت غیر از این است. در دوره خوارزمشاهی اشکالی در هنر و معماری پدید آمد و افکار و ایده‌هایی آغاز شد که در دوره مغول ادامه یافت^(۶۰) و معماری و هنر خوارزمشاهی در ادامه و استمرار هنر معماری دوره سلجوقی و به عبارتی حلقه مفقوده میان دو دوره سلجوقی و ایلخانی است.



مسجد فرومد

ایران در دوره ایلخانان، ترجمه عبدالله فریار، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵، ص ۱۱۴؛

Hillen bran'd Robert' Islamic Architectare, Edinbargh 1994' P:104

۱۴ - فرومد در حال حاضر یکی از روستاهای تابع شهرستان شاهرود در استان سمنان است. اما این تقسیم‌بندی جدید و مربوط به ده‌های اخیر است. سابقاً این روستا جزو ولایت جوین در استان خراسان بوده است.

۱۵ - برای اطلاع بیشتر راجع به این مسجد ن.ک. اکبری، پروش، معماری مساجد دوره خوارزمشاهی در خراسان، رساله کارشناسی ارشد، سال تحصیلی ۷۴-۱۳۷۳، تهران، دانشگاه تهران - دانشکده ادبیات و علوم انسانی، صص ۳۴۰-۲۹۸؛ زمانی، عباس، «مسجد جامع گناباده، هنر و مودم»، دوره جدید، شماره ۹۲ و ۹۳، ۱۳۴۹، صص ۱۴-۶؛ مصطفوی، محمدتقی، «توضیح مختصر درباره تاریخ مسجد جامع گناباده، هنر و مودم»، ش ۹۶ و ۹۷، آبان ۱۳۴۹، ص ۸۶

۱۶ - این کتیبه را قبلاً بطور ناقص مرحوم محمدتقی مصطفوی خوانده بود، اما متن کامل آن را آقای عمادالدین شیخ‌الحکامی کارشناس مؤسسه باستان‌شناسی دانشگاه تهران به‌طور کامل از روی عکس برای نگارنده قرائت فرمودند. ن.ک. مصطفوی، محمدتقی، همانجا

۱۷ - اسپر: دیوار جداکننده، دیوارهایی که میان دو پایه باربر می‌سازند، بخشی از نمای ساختمان که در و پنجره نداشته باشد. به نقل از بیرنیا، محمدکریم، شیوه‌های معماری ایرانی، تهران، مؤسسه نشر هنر اسلامی، ۱۳۶۹، ص ۳۸۶.

۱۸ - تویزه: دنده‌های اصلی پوشش طاق، لنگه، قالب، قوسی که با گچ و نی می‌سازند. ن.ک. همان، ص ۳۸۷.

۱۹ - برای اطلاع بیشتر راجع به این مسجد ن.ک. اکبری، پروش، پیشین، صص ۱۴۱-۹۲؛ عدل، شهریار، «یادداشتی بر مسجد و مدرسه زوزن»، اثر، ش ۱۵ و ۱۶، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور، زمستان ۱۳۶۷، صص ۲۴۸-۲۳۱؛ گدار، آندره، آثار ایران، ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم، ۴ جلد در دو مجلد، مشهد، آستان قدس رضوی ۱۳۷۱، مجلد ۱، ج ۲، صص ۲۹۷-۲۸۳؛

Blair, sh.sThe Madrsa at ZUZAN Muharnas' Vol 3' 1985' P: P. 75- 91

۲۰ - بی‌نا، فرهنگ جغرافیایی ایران، استان نهم، تهران، دایره جغرافیای ستاد ارتش، اسفند ۱۳۲۹، ج ۹، ص ۲۰۱.
۲۱ - عدل، شهریار، پیشین، ص ۲۳۵.
۲۲ - همان، صص ۲۳۹-۲۳۷؛

Blair' sh' s' op' cit' p' p' 97- 81

۱ - بارتولد. و. و. توکستان نامه، ترجمه کریم کشاورز، ج ۲، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۲ ج ۱، ص ۹۱؛ بوسورث کلیفورد. ادموند سلسله‌های اسلامی، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۱، صص ۱۷۰-۱۶۹ و صص ۲۷۳-۲۷۲.

۲ - جوینی، عطاالملک، تاریخ جهانگشای جوینی، تصحیح محمدبن عبدالوهاب فروزی، ج ۳، تهران، ارغوان، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۱۰۷ و صص ۱۵۰-۱۴۹؛ مستوفی، حمدالله، تاریخ گزیده، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران، امیرکبیر، ص ۵۰۰.

۳ - جوینی، عطا ملک، پیشین، ج ۲، صص ۹۸-۹۶؛ شبانکاره‌ای، محمدعلی، مجمع‌الانساب تصحیح میرهاشم محدث، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳، ص ۱۳۹؛ مستوفی، حمدالله، پیشین، صص ۴۹۲-۴۹۳.

۴ - نفیسی، سعید، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجری، ج ۲، تهران، کتابفروشی مهر، ۱۳۴۴، ج ۱، صص ۹۳-۹۱. همان، ص ۱۱۲.

۶ - نسوی منشی، شهاب‌الدین محمد فرزندزی زیدری، سیوت جلال‌الدین مینکبرنی، تصحیح مجتبی مینوی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵، صص ۷۳-۷۲.

۷ - حموی، یاقوت، معجم البلدان، ج ۵، بیروت، داربیروت، ۱۹۸۸م (۱۴۰۸ ه.ق)، ج ۲، صص ۱۲۳-۱۲۲.

۸ - همان، ج ۵، صص ۱۱۵-۱۱۴؛ نسوی منشی، پیشین، صص ۸۲-۸۱.

۹ - بارتولد، و. و. پیشین، ص ۱۵۰.
۱۰ - بیرنیا، محمدکریم، «سبک آذری»، معماری ایران، گردآوری آسیه جوادی، ج ۲، تهران، چاپ ۱ خوشه، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۸۷۷؛ گیلانی، فریدون، «دبنداری از گنبد سلطانه بزرگترین گنبد اسلامی»، هنر و مودم، سال دوازدهم، ش ۱۳۴، آذرماه ۱۳۵۲، ص ۲۲.

۱۱ - به عنوان مثال می‌توان از گنبد‌های هارونیه توس نام برد که جز تعدادی طاق‌نما و نقول که نمای خارجی بنا را از یک‌نواختی به در می‌آورد و مقداری گچبری ساده در درون بنا، فاقد هر گونه تزئین دیگر است. به نقل از یادداشت‌های منتشر نشده آقای رجبعلی لیاف خانیکی معاونت محترم پژوهشی میراث فرهنگی خراسان.

۱۲ - مستوفی، حمدالله، پیشین، صص ۴۸۵-۴۸۶.
۱۳ - میلن‌براند، زور، «معماری»، هنر ایران، به کوشش ر. دبلیو، فریه، ترجمه پرویز مرزبان، تهران، فروزان، ۱۳۷۴، ص ۹۳؛ ویلبر، دونالد. ن. معماری اسلامی

- نکرده‌اند و دیوار را مستقیماً روی زمین بنا کرده‌اند.
- ۴۰- گذار، آندره، **هنر ایران**، ترجمه بهروز حبیبی، تهران، دانشگاه ملی، ۱۳۴۵، ص ۳۷۹؛ پیرنیا، محمدکریم، **پیشین (۱۳۶۹)**، ص ۱۴۷.
- ۴۱- گذار - آندره، **پیشین (۱۳۷۱)**، صص ۲۴۲-۲۴۱.
- ۴۲- مقصوره: گنبدخانه، قسمت اصلی مسجد که محراب در آن قرار دارد. به نقل از پیرنیا، محمدکریم، **پیشین (۱۳۶۹)**، ص ۳۹۱.
- ۴۳- پیرنیا، محمدکریم، **آشنایی با معماری اسلامی ایران**، تهران، دانشگاه علم و صنعت، ۱۳۷۲، ص ۴۲؛ گالدیری، ازینو، **مسجد جمعه اصفهان در دوران آل بویه**، تهران، سازمان ملی حفاظت آثار باستانی، بی تا، ص ۲۸.
- ۴۴- عدل، شهریار، **پیشین**، ص ۲۳۳.
- ۴۵- درجاوند، پرویز، «تزیینات معماری اسلامی - آجرکاری»، **معماری ایران در دوره اسلامی**، سه کوشش محمدیوسف کیانی، تهران، جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۶، صص ۳۱۹-۳۱۸.
- ۴۶- کیانی، محمدیوسف و دیگران، **پیشین**، ص ۱۵.
- ۴۷- همان، ص ۱۷؛ عدل، شهریار، **پیشین**، ص ۲۳۴.
- ۴۸- بوپ، آرتور، ابهام، «رابطه جغرافی و هنر در ایران»، ترجمه احمد کریمی، **فرهنگ و زندگی**، ش ۶، ۱۳۵۰، ص ۶۷.
- ۴۹- پیرنیا، محمدکریم، «سبک‌شناسی معماری ایران»، **باستان‌شناسی و هنر ایران**، ش ۱، زمستان ۱۳۴۷، ص ۵۱.
- ۵۰- ویلبر، دونالد. ن، **پیشین**، صص ۵۶-۵۵.
- ۵۱- پیرنیا، محمدکریم، **پیشین (۱۳۶۹)**، ص ۲۲۰.
- ۵۲- همان، ص ۲۱۵؛ ویلبر، دونالد. ن، **پیشین**، ص ۶۷.
- ۵۳- همان، ص ۴۳.
- ۵۴- همان، ص ۸۳.
- ۵۵- همان، ص ۷۶.
- ۵۶- پیرنیا، محمدکریم، **پیشین (۱۳۶۹)**، ص ۲۰۰.
- ۵۷- همانجا؛ ویلبر، دونالد. ن، **پیشین**، ص ۵۴.
- ۵۸- همان، صص ۸۱-۸۰.
- ۵۹- همان، ص ۶۱.

60- Hutt⁹ Antony and Harrow⁹ Leonard, op'cit, P' 20

- ۲۳- عدل، شهریار، **پیشین**، ص ۲۳۵.
- ۲۴- همان، همانجا.
- ۲۵- همان، ص ۲۳۶.
- ۲۶- برای اطلاع بیشتر ن. کک. اکبری، پرویز، **پیشین**، صص ۱۷۲-۱۵۰؛ لیاف خانیکی، رجبعلی، «گزارش منتشر نشده بررسی بناهای خراسان»، ۱۳۶۵، صص ۹۸-۹۶.
- ۲۷- برای اطلاع بیشتر ن. کک. اکبری، پرویز، **پیشین**، صص ۱۹۵-۱۷۹.
- ۲۸- گذار، آندره، **پیشین**، ص ۳۱۸.
- ۲۹- گزارشی که بعد از زلزله سال ۱۳۴۷ فردوسی ارائه شده است. سازمان میراث فرهنگی کشور. تهران.
- ۳۰- قدمت تقریبی شبستان شمالی براساس یادها و گفته‌های آقای رجبعلی لیاف خانیکی معاونت محترم پژوهشی میراث فرهنگی خراسان و مشاهدات نگارنده تعیین شده است.
- 31- Hutt⁹ Antony and Harrow⁹ Leonard - Islamic Architecture (IRAN) in London 1977 P 134
- ۳۲- برای اطلاع بیشتر راجع به این مسجد ن. کک. اکبری، پرویز، **پیشین**، صص ۲۰۷-۱۹۹.
- ۳۳- بی تا، **فرهنگ جغرافیایی ایران**، استان اهرم، تهران، دایره جغرافیایی ستاد ارتش، اسفند ۱۳۲۹، ج ۹، ص ۱۹۰.
- ۳۴- قدمت تقریبی ایوان جنوبی براساس یادها و گفته‌های آقای رجبعلی لیاف خانیکی که در محل به بررسی و مطالعه پیرامون بنا پرداخته‌اند تعیین شده است.
- ۳۵- برای اطلاع بیشتر راجع به این مسجد ن. کک. اکبری، پرویز، **پیشین**، صص ۲۸۷-۲۱۴؛ گذار، آندره، **پیشین**، صص ۲۵۱-۲۵۶؛ ویلبر، دونالد. ن، **پیشین**، صص ۱۶۹-۱۶۸؛ مولوی، عبدالحمید. آثار باستانی خراسان، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۴، ج ۱، صص ۵۱۳-۴۹۶.
- ۳۶- معتمدی، نصرالله و دیگران، **راهنمای میراث فرهنگی سمنان**، سازمان میراث فرهنگی سمنان، ۱۳۷۰، ص ۱۹.
- ۳۷- کیانی، محمدیوسف و دیگران، **مقدمه‌ای بر هنر کاشیکاری ایران**، تهران، موزه رضا عباسی، ۱۳۶۲، ص ۱۵.
- ۳۸- بوپ، آرتور. ابهام، **معماری ایران**، ترجمه صدی افشار، تهران، فرهنگیان، ۱۳۷۰، ص ۱۰۲؛ پیرنیا، محمدکریم، **پیشین (۱۳۶۹)**، ص ۱۵۷.
- ۳۹- در تأیید این موضوع آقای رجبعلی لیاف خانیکی معاونت پژوهشی سازمان میراث فرهنگی خراسان که به بررسی و گفته‌های در مسجد جامع گناباد پرداخته‌اند اظهار می‌دارند که در این مسجد حتی برای بعضی از دیوارهای پی‌کنی